

### **Rules of a Sport- Specific Arbitration and its effect on policy-making of sport**

Special sports refereeing laws have value and validity at the national and international levels, and their benefits for sports have been fully proven. These laws are the basis for resolving sports disputes, which are ruled in national courts and sports arbitration courts. Although these rules may be different, they often grow from the same branch. New programs and new sports policies must be sensitive to the nature of refereeing rules and refereeing performance. It is clear that the scope of the arbitrator's authority in evaluating a solution in the new arbitration system must be carefully exercised. Special refereeing rules are of an established nature and have always led policymakers in sport to base their policies on the same refereeing rules to make it easier to resolve sports disputes. That is why situational policies in this area have always been peaceful in nature and emphasize the peaceful settlement of disputes. Therefore, in this article, we will examine the specific rules of refereeing and its impact on sports policies with a descriptive-analytical method and with library tools. In this regard, the refereeing process, and in particular the refereeing rules, should be designed to support and in fact to facilitate the optimal performance of independent refereeing, and the situational policies based on these rules should be more up-to-date and in line with the nature of sports

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.291711.1861>

## قوانین خاص داوری ورزشی و تاثیر آن بر سیاست گذاری های ورزش

فرزاد کریمی خنجری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۳

حمید دادگر<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱

حمید انصاری<sup>۳</sup>حانیه ذاکری نیا<sup>۴</sup>

### چکیده

قوانین خاص داوری ورزشی در سطح ملی و بین المللی دارای ارزش و اعتبار بوده و مزایای آنها برای ورزش کاملاً اثبات شده است. این قوانین پایه و اساس حل اختلافات ورزشی می باشند که در دادگاه های ملی و دادگاه حکمیت ورزشی بر آن اساس حکم صادر می شود. گرچه این قوانین ممکن است از هم متفاوت باشند ولی اکثراً از یک شاخه روئیده و جوانه داده اند. برنامه جدید و سیاست گذاری های ورزشی نو باید در مورد ماهیت قوانین داوری و عملکرد داوری حساس باشند. واضح است که دامنه اختیارات داور در ارزیابی یک راه حل در سیستم جدید داوری باید با دقت اعمال شود. قوانین داوری خاص ماهیتی تاسیسی دارند و همواره سیاست گذاران در ورزش را، بر آن داشته اند تا سیاست های خود را بر پایه همین قواعد داوری بگذارند تا حل اختلافات ورزشی آسان تر صورت پذیرد. از این رو است که سیاست های وضعی در این زمینه همواره ماهیتی صلح مدارانه داشته و بر حل اختلاف به صورت مسالمت آمیز تأکید دارند. لذا در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه ای به بررسی قوانین خاص داوری و تاثیر آن بر سیاست گذاری های ورزشی خواهیم پرداخت. در این راستا فرایند داوری و به طور خاص قوانین داوری، باید برای حمایت و در واقع جهت تسهیل عملکرد مطلوب داوری مستقل طراحی شده و سیاست های وضعی بر اساس این قوانین نیز باید به روزتر و با ماهیت ورزشی همراستا باشند.

### کلمات کلیدی:

قوانین خاص داوری، سیاست گذاری، حل اختلاف، داوری مستقل

<sup>۱</sup> ( کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شیراز)<sup>۲</sup> ( کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه تهران )<sup>۳</sup> ( کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شیراز)<sup>۴</sup> ( استادیار حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه شیراز)

با بررسی وضعیت و اجرای اصول تئوری سیاست گذاری باز و حکمرانی خوب در سازمان های ورزشی ملی و بین المللی، علاوه بر شاخص های هشت گانه ای که سازمان ملل در چهارچوب تئوری تبیین کرده است، هیچکدام از عوامل مبتنی بر اصل اساسی مفهوم سیاست گذاری باز با رویکرد حکمرانی مطلوب یعنی مشارکت توأمان نهاد دولتی ورزش (از جمله نهادهای حل اختلافات)، جامعه مدنی و مردم و بخش خصوصی (داوری خاص) باشد، ارائه نکرده اند و این امر موجب خلاء علمی (حقوقی) شده است و برای رفع چنین خلاء علمی انجام این تحقیق ضرورت دارد. (کیا و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۹۳) تعداد فزاینده ای از این اختلافات از طریق داوری مستقل مخصوص ورزش رسیدگی می شود. در واقع برخی کارشناسان ورزش را "صنعت رشد" می نامند و نقش توسعه یافته دیوان داوری ورزش را بعنوان یکی از مهمترین تحولات حقوق ورزش طی چند سال گذشته قلمداد می کنند. (Nafziger, 2011, p 13) در سال های اخیر، برنامه هایی برای داوری مستقل خاص ورزش در تعدادی از کشورها از جمله ایالات متحده، نیوزیلند، بریتانیا و کانادا به منصفه ظهور رسیده است. (Hayes, 2004, p 357)

جست و جو در ادبیات حقوقی کشور در مورد موضوع موردنظر، پیشینه ای را به دست نداد بدین ترتیب که قوانین خاص داوری ورزشی و تاثیر آن بر سیاست گذاری های ورزشی را از منظر حقوقی بررسی کرده باشد. بنابراین چنین موضوعی در ادبیات حقوقی کشور بی سابقه و این پژوهش بدیع و نو می باشد. در مقاله پیش رو ابتدا استماع به موقع دعوی در نهادهای داوری را بررسی و سپس کاهش هزینه های ورزشی و سیاست رفع موانع دسترسی به عدالت را واکاوی نموده و با اشاره به حکمیت مستقل تخصصی - ورزشی تاثیر آن را بر سیاست گذاری ها مشخص نموده و برای نمونه عملکرد داوری در سیستم های ورزشی دنیا را مورد کند و کاو قرار داده و سازمان های ورزشی و نقش آن ها در داوری های تخصصی ورزشی را نشان خواهیم داد. زمینه های تجدیدنظر در داوری های خاص ورزشی و تاثیر آن بر سیاست گذاری ها و فرایند داوری خاص مطابق با قوانین مربوطه، از جمله سایر عناوینی هستند که مورد تحقیق واقع شده اند و ذیل عنوان آخر، بازنگری در قوانین داخلی سازمان های ورزشی مطابق قوانین داوری و استاندارد های بررسی پرونده ها و بازبینی خطاهای موجود در آن ها توسط داوران را جهت بررسی مورد تحقیق و واکاوی قرار خواهیم داد.

ما درصدد پاسخ به این سوال هستیم که قوانین خاص داوری ورزشی چه تاثیری بر سیاست گذاری های ورزشی دارد؟ فرضیه این است که قوانین خاص داوری ورزشی با رویه هایی که ایجاد می کنند، اساس و پایه سیاست گذاری های آینده در امر ورزش و حل اختلافات را شکل می دهد.

## ۱- کاهش هزینه های ورزشی و سیاست رفع موانع دسترسی به عدالت

هزینه های داوری می تواند بسیار کمتر از هزینه های فعلی رسیدگی به اختلافات باشد، گرچه قطعاً این موضوع همیشه صادق نیست. البته متغیرهای زیادی وجود دارد که باید در مجموع هزینه های داوری را هم در نظر گرفت. از جمله پیچیدگی موضوع، تعداد طرفین درگیر، مدت زمانی که در جلسه دادرسی سپری می شود و نیز این سوال که آیا مشاوره حقوقی قبل از دعوی باید در کاهش هزینه ها نقش اساسی داشته باشد یا خیر و اینکه قالب دادرسی به صورت حضوری یا تماس تلفنی / کنفرانسی تصویری چه نقشی می تواند در کاهش هزینه ها داشته باشد، نیز می باشند. (Wilton v. Softball Can, 2004)

رفع موانع دسترسی به عدالت یکی از مهم و اصولی ترین پایه های حقوق ورزشی به شمار می آید. صرف نداشتن هزینه جهت پرداخت به داوری های بین المللی از جمله دادگاه حکمیت ورزشی نباید سبب تضییع حقوق ورزشکار باشد. نه تنها این موضوع می تواند آفت هایی را برای رقابت های سالم ورزشی داشته باشد، بلکه تحت الشعاع بی عدالتی های جهان امروز خواهد بود. در این راستا علاوه بر قوانین و کنوانسیون های ورزشی، سیاست های ورزشی می تواند در پرتو قوانین داوری نقش اساسی را ایفا نماید. مدیران رده بالای ورزشی در فدراسیون های ورزشی بین المللی و رؤسا و وزرای ورزش و سرمدمداران ورزشی مختلف باید در این جهت هم راستا و هم قدم باشند. اتخاذ روش های صحیح و تاسیس صندوق مالی ورزشی می تواند به عنوان راهکار مشخص و موثر جهت مبارزه با بی عدالتی مربوط به مسائل مالی باشد. باید توجه داشت که نداشتن بودجه کافی برای اقامه دعوا در دادگاه حکمیت ورزشی، مخالف اصل عدالت و صلح دوستی و رقابت سالم در ورزش می باشد و همزمان با این موضوع، عدم دسترسی به داوری ورزشی و تضییع حق ورزشکار این مسئله را بغرنج و دوچندان می کند. حال آنکه با تاسیس صندوق مالی ورزشی برای مبارزه با بی عدالتی و کمک به ورزشکارانی که واقعا هم از نظر شخصی توان مالی ضعیفی دارند و هم کشور متبوع آنها از نظر مالی از شرایط خوبی برخوردار نیست، می تواند سیاست های تبعیض آمیز کپیتال مآبانه (سرمایه دارگونه) را از چهره ورزشی دنیا زدود. این سیاست ها باید هم توسط تیم تخصصی - فنی حقوقی - ورزشی و هم با تایید و اجرای آن توسط دولت ها همراستا باشد، تا شرایط مالی، مانعی در برابر ورزش و رقابت های سالم نباشد.

## ۲- حکمیت مستقل تخصصی - ورزشی

عامل مهمی که بر توانایی سازمان های ورزشی در حل و فصل اختلافات با استفاده از رویه های تجدیدنظر داخلی خود تأثیر می گذارد، حکمیت مستقل و بدون هر گونه دخالت عوامل خارج از ورزش و حتی سیاستمداران می باشد. (Blake, 2011, p 157)

در روشی که یک سازمان ورزشی به منظور معرفی یک ورزشکار به تیم، به کار می گیرد، معمولاً این سازمان است که معیارها و مراحل انتخاب را تعیین و انتخاب کرده و سیاست های دادرسی و تجدیدنظر در حین بروز اختلاف را ابلاغ و عواقب ناشی از آن را مدیریت می کند. ورزشکاری که ممکن است از برخی جهات وارد فرایند دادرسی شود، با وضعیتی رو به رو می شود که برای او مناسب نیست؛ این که سازمان از قبل روند اداری سازمانی را تعیین کرده و اغلب رسیدگی کننده از سوی خود سازمان منصوب شده است و همین امر، سازوکار حل اختلافات را به چالش می کشد و در این صورت ممکن است این نقد بر کیفیت اجرای تصمیمات سازمان و حتی رای دادگاه حکمیت تأثیر بگذارد.

لذا باید توجه داشت که اختلافات مربوط به مسائل ورزشی، بیشتر از آنکه اختلاف بر سر موضوعات پیچیده قانونی و شاذ حقوقی باشد، بیشتر به موضوعات واقعی در حال جریان مربوط می شود که اغلب شامل تفسیر یا اعمال سیاست های ورزشی سازمان می باشد. (McLaren, 2001, p 23) بنابراین، آشنایی با حکمیت و سیاست های ورزشی می تواند امتیازی به مراتب سودمند تلقی، و بسیار راه گشا باشد. برخی از موارد خاص ورزشی که داوران باید به آنها حساس باشند عبارتند از: زمان دادرسی، به ویژه در مواردی که جدول زمانی رقابت وجود دارد، عدم تعادل موازنه بین گروه ها از جمله میان مربیان، ورزشکاران و نمایندگان سازمانی، تصمیمات پیشین ورزشی و اختلافات موجود در زمینه سیاست های سابق و لاحق در موضوع مورد نظر، تخصص مربیان و روند انتخاب و تفویض اختیار به آنها در موارد مشابه. واقعیت این است که بسیاری از ورزشکاران با روند داوری آشنا نیستند و ممکن است اطلاعات لازم برای مشاوره حقوقی کافی را نداشته باشند.

بنابراین برای حفظ استقلال ورزش و سالم نگه داشتن این نهاد از دخالت دولت ها، لازم است داوری های بین المللی ورزشی مستقل و بدون وابستگی به دولت یا نهاد خاصی باشد. از همین رو است که صندوق مالی برای رسیدگی به اختلافات ورزشی پیشنهاد شده است، در حالی که کمک دولت ها می توانست به مراتب آسان تر از این قبیل موارد باشد ولی باید توجه داشت که کمک های دولت ها به نهاد های حل و فصل اختلافات و داوری ها می تواند فسادزا باشد و استقلال رای داوری ها را تحت الشعاع قرار دهد.

### ۳- عملکرد داوری در سیستم های ورزشی دنیا

روند داوری به ویژه قوانین خاص داوری، باید به گونه ای باشد که مناسب عملکرد و کارکرد چنین داوری بوده و اطمینان حاصل شود که نه تنها نقش مناسبی در نظام ورزشی مربوطه دارد، بلکه باید نقش اساسی مورد نظر را در حل و فصل اختلافات در ورزش نشان دهد. (Findlay, 2005, p 77)

در زمینه قواعد داوری که بدان اشاره شد باید اذعان داشت که در صورت سکوت قواعد داوری، نمی توان به مقررات قانون آیین دادرسی مدنی داخلی مراجعه کرد، چون این روش بسیار وقت گیر و موجب ناکارآمدی نهاد داوری به ویژه در حوزه اختلافات ورزشی خواهد شد. لذا تنظیم مقررات جامع داوری برای نهاد ملی داوری ورزش ضروری است. هر چند کلیه نهادهای داوری ملی ورزش در کشورهای دیگر برای خود اختیار میانجیگری را نیز بر شمرده اند. (ساعد وکیل و اسکندری، ۱۳۹۵، ص ۱۵)

از جمله این رسیدگی های اختلاف برانگیز در پرونده مت لیندلند<sup>۱</sup> مشاهده شد. وی کشتی گیر المپیک تبعه ایالات متحده بود. این پرونده نمونه بارزی از مواردی است که "کارکرد شکلی"<sup>۲</sup> در سیستم حل اختلاف بر سایر جوانب پرونده تاثیر گذاشته و به عنوان پرونده ای مطرح گشت که در نهایت منجر به عواقب ناخواسته قابل توجهی طی دادرسی شد. (Nafziger, 2011, p 361)

از جمله هرج و مرج در رسیدگی که متوجه همه طرف های درگیر بود، پانزده مداخله قضایی یا شبه قضایی و ورود ثالث های متعدد و آیین دادرسی متعدد برای رسیدگی به پرونده و ... که این پرونده را ناتوان و ناقص نمود. کشتی گیر المپیک ایالات متحده، لیندلند تلاش کرد تا نتیجه یکی از مسابقات خود را در دادگاه مطرح کند. (Thompson, 2001, p 407) درخواست های وی هم در مرحله بدوی و هم تجدید نظر در انجمن کشتی ایالات متحده<sup>۳</sup> رد شد. متعاقب آن<sup>۴</sup> لیندلند درخواست داوری مستقل در این زمینه را مطابق قانون ورزش غیر حرفه ای (آماتور) آمریکا<sup>۵</sup> داد. (Nafziger, 2011, p 362) در این پرونده هیاتی از المپیک، به عنوان طرف دیگر داوری بود. دلیل آن هم این بود که حریف لیندلند یعنی کیت سیراکی<sup>۶</sup> مطابق قوانین داوری به عنوان یک ورزشکار آسیب دیده اجازه نداشت که طرف دیگر دادرسی باشد. سرانجام سیراکی داوری خاص خود را با روشی کاملاً مستقل از داوری های لیندلند آغاز کرد.

1. Matt Lindland Case

2. Function follows form

3. United States Wrestling Association

۴. انجمن مزبور بعداً کمیته المپیک ایالات متحده نامگذاری شد.

5. The U.S. Amateur Sports Act

6. Keith Sieracki

این پرونده به وضوح لزوم در نظر گرفتن و تعریف دقیق اینکه چه نوع تصمیماتی و توسط چه مرجعی باید بازنگری شود را برجسته کرده و هرگونه محدودیت این گونه از رسیدگی‌ها را عیان ساخت. (Nafziger, 2011, p 371) باید توجه داشت که آیا اختیارات داور باید به اصلاح مستقیم یا غیرمستقیم رای قبلی منتهی گردد؟ قوانین یا سیاست‌های اساسی سازمانی که تصمیم اصلی را گرفته است، شامل این اصلاح می‌گردد؟ پاسخ به این سوالات باید بعد از بررسی دقیق و لازم نسبت به عملکرد دآوری مورد نظر (داوری خاص) در هر مرحله از یک سیستم حل اختلاف یا تصمیم‌گیری اصلی ارزیابی گردد. همه این موارد ناشی از قانونی است که دآوری‌های ملی یا خاص مطابق با آن به صدور رای اقدام می‌کنند. طی این روند، رسیدگی و وجود سایر دآوری‌های خاص می‌باشد که باعث سیاست‌گذاری در نحوه حل و فصل اختلافات می‌گردد. این سیاست‌گذاری‌ها به نوعی به ایجاد رویه‌ها کمک می‌کند تا نقاط ضعف و قوت دآوری‌های خاص آشکار شده و در دآوری‌های بعدی با تجارب بیشتری عمل شود. این اقدام باید با هماهنگی‌های مشترک جهانی در سراسر کشورها و با نهاد‌های ورزشی کلان انجام شود که تا کنون به مرحله عملی ویژه نرسیده است. اگرچنین می‌بود، امروز شاهد این اختلافات و سیاست‌گذاری‌های ورزشی مختلف در سطح کشورها نبودیم.

از منظر تاریخی، جامعه ورزشی کانادا مدت‌هاست که یک سیستم حل اختلاف ملی خاص ورزش را مطلوب اختلافات ورزشی خود می‌داند. (Haslip, 2001, p 263) در سال ۱۹۹۴، شورای ورزش کانادا<sup>۷</sup> یک دوره دو ساله برای آزمایش سیستم دآوری خاص ملی خود با هدف سیاست‌گذاری ورزشی در سطح ملی را آغاز کرد.<sup>۸</sup> ولی قبل از پایان پروژه آزمایشی، شورا منحل شد و برنامه را پایان داد. در ژانویه ۲۰۰۰ بود که یک بار دیگر تلاش‌های جدی برای توسعه سیستم رسمی حل اختلافات ورزشی با اعمال سیاست‌گذاری خاص ملی برای توسعه و بهبود روش حل اختلاف داخلی برای ورزش انجام شد. سپس دبیر امور خارجی ورزش آماتور کانادا<sup>۹</sup>، دنیس کدره<sup>۱۰</sup>، یک گروه کاری را برای توسعه چنین سیستمی تعیین کرد. (WORK GROUP TO THE SEC'Y OF STATE, 2000)

گروه کاری به نقشه‌ای مبدل شد که سیستم جدید حل اختلاف کانادا برای ورزش را تکامل بخشید. این برنامه شامل خدمات دآوری و میانجیگری است. از آنجاکه بیشتر اختلافات ورزشی بر سر انتخاب میانجی است، میانجیگری چندان از سوی طرف‌ها صورت نگرفته است؛ چراکه

7. The Canadian Sport Council

<sup>۸</sup>. شورای ورزشی کانادا که اکنون منحل شده است، قبلاً فرایندی را برای ایجاد یک سیستم دآوری داوطلبانه و اختیاری در نظر گرفته است که صرفاً به جامعه ورزش کانادا خدمت می‌کند و هم اکنون پابرجاست.

9. Secretary of State for Amateur Sport

10. Denis Coderre

اغلب، در آستانه یک رقابت بین المللی و یا در حین برگزاری مسابقات، این قبیل اختلافات پیش می آید و امکان مداخله وجود ندارد. در نتیجه گروه کاری مزبور، قانون مربوطه تدوین و تصویب شد. متعاقباً یک شرکت غیر انتفاعی به نام مرکز حل اختلافات ورزشی کانادا (SDRCC)<sup>11</sup> ایجاد شد (Physical Activity and Sport Act, 2003) که هدف آن تدوین برنامه جدید و تأمین منابع برای سازمانهای ورزشی کانادایی بود تا عنصر اصلی سیستم و مکانیسم داوری مستقل در سطح ملی تشکیل شود. دلیل انتخاب میانجیگری این است که وجود رویه میانجی گری در ورزش امری مهم است که به حل و فصل سریع اختلافات در فضایی دوستانه و بدون اضطراب و با صرف هزینه ای کم می انجامد. امروزه استفاده از میانجی گری در ورزش نه تنها در سطح کشورها، بلکه در سراسر جهان امری ضروری تلقی می شود. به نظر می رسد که با توجه به مشکلات و حاشیه های ورزش در کشور ما، به کارگیری رویه میانجی گری از طریق گنجاندن بندی در قراردادهای ورزشی مبنی بر ارجاع اختلافات احتمالی به یک میانجی مرضی الطرفین، قابل بکار گیری باشد. (شعبانی مقدم و فراهانی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۲)

با بررسی عملکرد این سیستم داوری در روند حل اختلاف جامعه ورزشی کانادا، حداقل در سطح ملی، می توان چنین نتیجه گیری نمود که این روند، باعث می شود حق ورزشکاران و مربیان در اختلافات ورزشی رعایت شود و با دادرسی صحیح به نوعی عدالت طبیعی شکل گیرد. (WORK GROUP TO THE SEC'Y OF STATE, 2000, p 12)

این عدالت طبیعی که از حق ورزشکاران و مربیان به نحوی مطلوب صیانت می کند، نوعی سیاست گذاری قضایی صحیح در مورد سیستم حل اختلافات ورزشی و یا داوری خاص ورزشی می باشد که می تواند الگوی برخی کشورها از جمله ایران با اندکی داخلی سازی برخی قوانین مطابق با نظام حقوقی خود باشد.

اما در عمل باید اشاره کرد که در موارد زیادی این حقوق نقض یا حتی نادیده گرفته می شوند. نقض حقوق، یا ناشی از نادیده گرفتن یک قاعده یا اصل است؛ یا مربوط به رویه های اجرای قوانین می باشد؛ و یا از تصمیم گیری ضعیف یا ناعادلانه نشأت می گیرد. (WORK GROUP TO THE SEC'Y OF STATE, 2000, p 4) به علاوه، ضرورت بهبود چشمگیر این امر را زمانی می توان احساس کرد که عدالت طبیعی، به دلیل ناسازگاری و نقض در سیاست ها و رویه های سازمان به خطر می افتد یا تصمیم گیرندگان فاقد اطلاعات کافی در این باره هستند که البته باید در این زمینه همواره توأم با مسائل به روز جامعه ورزشی و با نگاه متفاوت به اختلافات آنها، به حل این قبیل موارد پرداخت.

11 . The Sport Dispute Resolution Centre of Canada (SDRCC),



بنابراین باید نتیجه‌گیری نمود که این سیاست‌ها و اتخاذ چنین تصمیم‌هایی، گاهی اوقات دارای اشکال بوده است. با توجه به این مشکلات، در گزارش کارگروه یاد شده آمده است:

گروه کاری به حق یک هیئت ورزشی برای توسعه و اجرای سیاست‌های خود از طریق یک روند دموکراتیک واقف بوده که البته این گزارش به هیچ وجه نقض این روند نیست. اختلافات در مورد اصل سیاست مربوطه باید از طریق فرایندهای تصمیم‌گیری هر سازمان ورزشی حل و فصل و ادامه یابد. (WORK GROUP TO THE SEC'Y OF STATE, 2000, p 8)

به نظر می‌رسد کارگروه در این گزارش، تا حدود زیادی آنچه را که به عنوان نقش یا عملکرد فرآیند داوری مستقل پیش بینی شده، به عنوان بخشی از سیستم‌های حل اختلاف سازمان‌های ملی ورزشی می‌داند. لذا سیاست اساسی این است که حق سازمان ورزشی در تصمیم‌گیری‌های اساسی و سیاست ورزشی‌های فنی تخصصی باید محفوظ بماند. نقش داور هم این است که اطمینان حاصل کند که تصمیمات به طور عادلانه، مطابق با انصاف و رویه جاری سازمان مربوطه و همراستا با سیاست‌های سازمان اتخاذ شده باشند. این دیدگاه دقیقاً منعکس‌کننده اعمال قانون است زیرا در داوری‌های خاص، سیاست سازمان‌های ورزشی به عنوان اصل و اساس آرای آنها، همواره مورد توجه می‌باشد. (Findlay, 2005, pp 80 - 81)

در پرونده مک کیگ علیه قایقران کانادایی<sup>۱۲</sup>، نیز اتخاذ برخی سیاست‌های ورزشی نادرست و روند اشتباه حقوقی باعث ایجاد مشکلاتی برای طرفین دعوی شد. در این پرونده قبل از معرفی برنامه داوری خاص، به اختلاف رسیدگی شد و دادگاه صلاحیت خود را برای رسیدگی به آن احراز کرد اما از اشاره به رویه و سیاست سازمان ورزشی خودداری کرد. بدین ترتیب پرونده مزبور نتوانست در سیاست و رویه انتخابی خود شرایط احتمالی را برای اتفاقات حقوقی پیش بینی و قوانین خود را با آن مطابقت دهد. (Man. Q.B. Apr. 24, 1996)

#### ۴- سازمان‌های ورزشی به عنوان داوری‌های خاص

اکثریت قریب به اتفاق سازمان‌های ورزشی در ارگان‌های خود نهادهایی برای حل و فصل اختلافات داخلی دارند.<sup>۱۳</sup>، به عبارت دیگر، این سازمان‌های مستقل و سازمان‌های خودگردان خصوصی هستند که قدرت نگارش آیین‌نامه داخلی خود، اتخاذ تصمیم، اعمال سیاست‌ها و رویه‌ها و انجام اقداماتی را دارند که بر اعضا، شرکت‌کنندگان و نهادهای تشکیل‌دهنده آنها تأثیر می‌گذارد. (Blake, 2011, p 1) باید تلاش شود تا اختیار پذیرش شرط داوری در موارد مختلف به ویژه تخلفات دوپینگ و پرونده‌های انضباطی و همچنین قواعد بازی بدون اینکه

<sup>12</sup> . Mccaig v. Canadian Yachting Association

<sup>13</sup> . گرچه دادگاه‌های داخلی نیز می‌توانند در این زمینه صاحب نظر باشند.

اجباری بر ورزشکاران اعمال شود، به آنها داده شود. تردیدی وجود ندارد که پرونده های مالی پیرامون ورزش یکی از مهمترین صلاحیت های دیوان های داوری ورزشی ملی و همچنین دادگاه حکمیت ورزش را تشکیل داده و می دهد. (مافی و شهلائی، ۱۳۹۶، ص ۵۸) این سازمان ها اختیار قانونی برای ایجاد حقوق، امتیازات و تعهدات عضویت را در اختیار نهادهای سازمان قرار می دهد. در حالت ایده آل، هر سازمان ورزشی باید سیاست های مربوط به زمینه های اصلی حاکمیت خود بر نهادهای تحت نظر خود را داشته باشد. در این موارد باید سیاست های مربوط به واجد شرایط بودن و انتخاب تیم (اعطای امتیازات)، بر اساس رفتار و نظم و همچنین تجدیدنظر در تصمیمات داوری ها و میانجیگری ایجاد و پایه ریزی شود.

در کانادا، هر سازمان ورزشی ملی که از بودجه فدرال بهره مند می شود، باید یک سیاست تجدیدنظر و همچنین مقرره ای برای داوری مستقل در مورد اختلافاتی که مکانیزم های تجدیدنظر داخلی سازمان را نادیده می گیرد، داشته باشد. چنین الزاماتی به عنوان بخشی از چارچوب بودجه و پاسخگویی در سطح فدرال برای هر سازمان ورزشی است و به عنوان پیش شرط تأمین اعتبار سازمان مربوطه قلمداد می شود. این شرط برای داوری در سال ۱۹۹۹ توسط دولت فدرال اعمال شد. در آن زمان، ماهیت داوری تعریف نشده بود و همچنین یک انجمن مشترک برای چنین داوری در دسترس جامعه ورزش نبود. (Haslip, 2001, p 246)

اکثر سازمان های ورزشی مستقل هستند و اختیار اداره خود و اعضای خود را داشته و یک تعهد اساسی دارند که مطابق با اصول عدالت رویه ای<sup>۱۴</sup> و عدالت عمل می کنند. (Blake, 2011, p 13) این موضوع به وضوح در پرونده لی علیه شومن<sup>۱۵</sup> مشهود بود:

گرچه صلاحیت دادگاه داخلی بر اساس قرارداد، صریح یا ضمنی است، اما با این وجود طرفین در بستن قرارداد آزاد نیستند. سیاست های عمومی سازمان های ورزشی محدودیت های مهمی را اعمال می کند. به عنوان مثال دادگاه باید اصول عدالت طبیعی را رعایت کند. آنها باید فرصتی منطقی برای رسیدگی به دعوی اختصاص دهند. هر شرط مخالف این رویه باطل بوده و سیاست گذاری های ورزشی را به چالش می کشد. طرفین دعوا می توانند موافقت کنند که درخواست های قانونی و واقعی را به دادگاه داخلی ملی واگذار کنند. در واقع، طرفین می توانند در مورد مسائل واقعی، دادگاه را به داور نهایی (داوری خاص) تبدیل کنند، اما شاید نتوانند در مورد مسائل قانونی و حقوقی که عملاً به عهده دادگاه های داخلی ملی می باشد، بر عهده داوری خاص بگذارند. (Findlay, 2005, p 83)

<sup>۱۴</sup> . عدالتی که مطابق با رویه موجود در سازمان های ورزشی به عنوان عدالت ورزشی در نظر گرفته می شوند.

<sup>۱۵</sup> . Lee v. Showmen's Case

##### ۵- زمینه‌های تجدیدنظر در داوری‌های خاص ورزشی و تاثیر آن بر سیاست‌گذاری‌ها

با بررسی سازوکار درخواست تجدیدنظر در اکثر سازمان‌های ورزشی ملی، دلایل تجدیدنظر در مورد تصمیم اولیه در یک سازمان ورزشی را می‌توان بطور محدود یا گسترده تبیین کرد. یک سازمان ورزشی می‌تواند زمینه‌های تجدیدنظر را گسترش دهد تا بازبینی گسترده تری را در تصمیم‌های اولیه، امکان‌پذیر نماید. مدل سیاست تجدیدنظر در آرا و تصمیمات که از طریق برنامه ملی حل اختلاف برای ورزش آماتور در دسترس سازمانهای ورزشی قرار گرفته است، (SDRCC, 2004) همان سیاست‌های تجدیدنظر موجود در بسیاری از سازمانهای ورزش ملی در کشورهای مختلف می‌باشد که البته این سیاست‌ها و رویه‌ها محدود بوده و علی‌رغم این محدودیت دارای بیشترین نوع تاثیر بر سازمان‌های ورزشی و تصمیمات آن‌ها می‌باشد. گرچه در سطح بین‌المللی باید توجه داشت که تجدیدنظر علیه تصمیم یک فدراسیون، انجمن یا نهاد ورزشی را در صورتی می‌توان به CAS ارائه داد که در قوانین یا مقررات نهاد مذکور، اینگونه قید شده یا طرفین به توافق براساس حکمیت رسیده و یا تجدیدنظرخواه قبل از درخواست تجدیدنظر و براساس قوانین و مقررات آن نهاد، به کلیه مسیرهای قانونی مراجعه کرده باشد.

درخواست تجدیدنظر علیه رأی صادره را می‌توان به CAS ارائه داد و CAS بعنوان نخستین دادگاه عمل می‌کند، در صورتیکه چنین استیناف یا تجدیدنظری باید صریحاً در قوانین فدراسیون یا نهاد ورزشی مربوطه قید شده باشد. (شعبانی مقدم، ۱۳۹۳، ص ۵۱)

منطق استفاده از دامنه محدود درخواست تجدیدنظر در تعیین سیاست‌ها و مدل رویه‌های تجدیدنظر چنین می‌باشد:

تجدیدنظر در ورزش برای تصمیم‌گیری مجدد در امور نیست؛ بلکه برای اصلاح اشتباهات موجود در تصمیم‌گیری‌های ورزشی می‌باشد. سیاست‌های اعمالی در مورد تجدیدنظر برای اطمینان از این موضوع است که تصمیم‌گیرندگان به واسطه قدرت خود در تصمیمات اعمال نفوذ نکنند و بی‌طرفی خود را حفظ کرده و تصمیمات را به صورت عادلانه و مطابق با سیاست‌ها و رویه‌های سازمان ورزشی مربوطه اتخاذ کنند. (Findlay, 2005, p 83)

اساساً، دامنه محدود درخواست تجدیدنظر، نقش مناسب سیاستگذاری سازمان را آشکار می‌کند. این موضوع مانع از تجدیدنظر در مواردی نیست که سیاستی به طور ناصحیح به تصویب رسیده یا با سوء نیت اعمال شده باشد، اما در صورتی که سیاستی به طور صحیح و قانونی توسط سازمان اتخاذ شده باشد، نباید مورد تجدیدنظر عضوی قرار گیرد که از چنین مشارکت و خط مشی‌ای

حمایت نمی کند. این اختلافات باید به طور مناسب تری از طریق کنلنل های دموکراتیک در ساختار حاکمیت و سیاستگذاری سازمان رفع شوند. (Findlay, 2005, p 85)

بنابراین، سیستم حل اختلاف معمول در اغلب سازمان های ورزشی کشورهای مختلف (در راستای سیاست گذاری های مشترک) در ابتدا شامل سه سطح تصمیم گیری بود: یک نهاد بدوی برای تصمیم گیری که به طور معمول مطابق با شرایط و ضوابط تعیین شده و همراستا با سیاست سازمان مربوطه تصمیم می گیرد، سطح دوم تصمیم گیری که فرصتی برای تجدیدنظر در مورد این تصمیم در داخل سازمان را در مواردی که ادعا می شود خطای قضایی یا رویه ای وجود دارد، فراهم می کند، سطح سوم نیز تجدیدنظر می باشد. این رویه ها در سازمان های ورزشی تعریف شده و به طور کلی، توسط تعداد کمی از سازمانهای ورزشی ملی مورد استفاده قرار گرفته است<sup>۱۶</sup> و در برخی موارد با تغییر اندکی در سطوح تصمیم گیری های یادشده و با اتخاذ سیاست های متفاوت، به فعالیت ادامه می دهند.

#### ۶- فرایند داوری خاص مطابق با قوانین مربوطه

قوانین داوری باید به دقت تدوین شوند تا سیستم داوری خاص ملی مطابق با قوانین خاص داوری بتواند فعالیت کند. از این گذشته، داوری یکی از سازوکارهای اصلی برای کمک به بهبود مشکلات شناسایی شده می باشد، در ادامه به جوانبی از این حوزه خواهیم پرداخت.

##### ۱-۷- بازنگری در قوانین داخلی سازمان های ورزشی مطابق قوانین داوری

دامنه بازنگری در قوانین و آئین نامه های سیستم جدید داوری ورزشی می تواند گسترده و بعضاً محدود باشد. تعدادی از جنبه های قوانین آیین دادرسی در داوری های ورزشی وجود دارد که در مورد گستردگی اختیارات داور صحبت می کند. داور می تواند موضوع را پس از تجدید نظر در سازمان ورزشی دوباره رسیدگی کند یا اگر طرفین یک اختلاف نظر موافقت کنند، ممکن است درخواست داخلی سازمان ورزشی را رد کرده و مستقیماً به داوری مستقل در اختلاف مورد نظر بپردازد. همچنین طبق قوانین داوری، داور صلاحیت گسترده ای برای بررسی هر گونه تصمیم داخلی در یک سازمان ورزشی دارد. در واقع ساختار فرآیند بررسی (به عنوان مثال داوری مستقل) دامنه بررسی طرح سنتی و سازوکار تجدیدنظر در دادگاه ها را گسترش داده است.

با توجه به مطالعات و بررسی های انجام شده، روند ناپایدار در ورزش قهرمانی و حرفه ای در ایران را هم می توان بر اساس مرجعیت تصمیم گیری و سیاست گذاری توضیح داد. ساختار تشکیلاتی غیر منسجم و فقدان نهاد مرجع سیاست گذار در زمینه داوری در عرصه ورزش ایران،

<sup>16</sup> . McCaig v. Canadian Yachting Ass 'n Case, No. C196-01-96624

سبب موازی کاری و عدم یکپارچگی در نظام سیاست گذاری در ورزش ایران و داوری های ورزشی شده است. ابهام در مرجعیت سیاست گذاری ورزش در زمینه داوری اثرات دامنه دار و مسائل عمده ای در سایر مراحل ایجاد نموده و در نهایت سبب عدم تحقق سیاست های تدوین شده در حوزه ورزش و داوری در زمینه و مسائل و اختلافات ورزشی شده است. (گیاه شناس و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۷۳)

## ۲-۷- استانداردهای بررسی پرونده ها و بازبینی خطاهای موجود در آن ها توسط داوران

با در نظر گرفتن دامنه بررسی یک تصمیم ، اکنون این سوال مطرح می شود که یک داور باید از چه استانداردی برای تعیین خطا یا اشتباه در داوری استفاده کند. بحث موردنظر در مورد استاندارد بازبینی در تصمیمات سازمان های ورزشی درباره این موضوع است که چه اشتباهاتی می توانند مورد بازبینی قرار گیرند؟. هر طرفی که تصمیم سازمان را به چالش می کشد، ادعا می کند که تصمیم گیرنده اصلی اشتباه کرده است. سوالاتی که داور باید بپرسد این است که "خواستار چه نوع تصمیمی بوده و این تصمیم را در چه ابعادی می خواهد به چالش بکشد؟" این سوال بسیار مهمی است، زیرا نتیجه هر داوری به خوبی می تواند جواب را بیش از پیش روشن کند. همانطور که یکی از محققان خاطرنشان کرد: "لزوم تعیین و به کارگیری استاندارد صحیح بازبینی در هر سیستم حقوقی<sup>۱۷</sup> گریزناپذیر است." (FRANK A. V. FALZON, 2011)

البته استثنائاتی هم در این زمینه وجود دارد. اولین پرونده در مورد دوپینگ ورزشی راسل علیه کانون اخلاق ورزشی کانادا<sup>۱۸</sup> است که در آن قاضی، با استفاده از رای دادگاه عالی کانادا، پرونده کانادا علیه موساپ<sup>۱۹</sup> را به عنوان استاندارد مناسب بررسی و روند رسیدگی در نظر گرفت. (Russell v. Canadian Centre for Ethics in Sport Case, 1998, p 49) با این حال ، در بیشتر موارد که تاکنون چنین بررسی هایی شده است و همچنین در داوری های قبلی اختلافات ورزشی در کشورهای مختلف و سازمان های ورزشی و حتی در برخی موارد در سطح بین المللی، به نظر می رسد این استاندارد ها بطور مداوم رعایت نشده است. ( Gordon v. Canadian Amateur Boxing Ass'n, 2003) این عامل خود می تواند بر سیاست گذاری های ورزشی در حل اختلافات تاثیر بگذارد. سیاست گذاری اشتباه به نوبه خود می تواند عاملی مخرب در حل اختلافات محسوب شود. این سیاست های اشتباه خود ساختمان کجی را بالا می برد که اساس و پایه را بر ویرانی استوار می سازد. لذا لازم است استانداردهای بررسی پرونده ها و بازبینی ها در این زمینه را هر چه بیشتر بهبود بخشید و با همکاری سازمان های ورزشی مربوطه و دادگاه

<sup>۱۷</sup> . بنابراین، این سوال که از چه استانداردی برای بررسی استفاده می شود مربوط به تجدیدنظر در سیستم حقوقی داخلی داخلی و همچنین داوری های خارجی مستقل و خاص است.

<sup>۱۸</sup> . Russell v. Canadian Centre for Ethics in Sport

<sup>۱۹</sup> . Canada v. Mossop Case

حکمت ورزشی، این رویه ها را در بین جامعه حقوقی ورزشی در سطح ملی و بین المللی رواج و توسعه داد تا بدین ترتیب این سیاست ها به عنوان قوانین فرعی در کنار قوانین اصلی اعمال گردند.

سیستم داورى ملی ورزشی در بسیاری از کشورها نسبتاً جدید است. با این وجود، رویه های خاصی در این زمینه در حال ظهور هستند. واضح است که قوانین آیین دادرسی در مورد اختلافات ماهیت گسترده ای دارند و به داور اختیارات گسترده ای برای بررسی تصمیمات قبلی یک سازمان و همچنین اختیارات گسترده در زمینه نوآوری در روش های رسیدگی به اختلافات ورزشی می دهند، حتی این موضوعات بر سیاست های سازمان نیز تاثیر شگرفی دارند. این قوانین، فرآیند گسترده ای را برای یافتن راه حل سریع رسیدگی و حل و فصل اختلافات در سیستم های ورزشی ملی دنیا آغاز می کند که اساساً به داوران اجازه می دهد محدوده بررسی بسیار وسیع تری نسبت به تصمیم گیرندگان داخلی سطح پایین یا قضات دادگاه های بدوی داشته باشند. این قوانین و نوآوری های جدید به هر صورت بر سیاست گذاری های ورزشی در بسیاری از کشورها و حتی دادگاه حکمت ورزشی تاثیرگذار هستند. فارغ از این، تاثیر چه زیاد باشد چه کم، رویه های جدیدی را در سازمان ها و فدراسیون های ورزشی به وجود می آورد و رویه آنها را هر چه بیشتر به سمت حقوقی شدن (حقوقی محض) می برد. این حقوقی شدن هم متأثر از نظام های حقوقی ملی مختلف می باشد هم نظام بین المللی. این سیستم حقوقی چند وجهی، رسیدگی به اختلافات را بیش از پیش جهانی می کند چراکه قوانین خاص ورزشی متأثر از قوانین ملی و بین المللی به صورت مختلط می باشند.

سوالات مطرح شده در این زمینه می تواند سیاست گذاران را وادار کند که در مورد هدف اساسی دادگاه ها و سایر تصمیم گیران در این زمینه (داوران، سازمان های ورزشی، دادگاه حکمت ورزشی و ...) و پیامدهای آن تامل کرده و بهترین گزینه ممکن را برای حل این قبیل مشکلات اتخاذ کنند. برای سیاست گذاران در زمینه داورى و همچنین مکانیسم های تجدید نظر سازمانی داخلی چنین باید گفت:

در مواردی که قانونگذاران تشخیص دهند که یک دادگاه اداری "اصول اصلی و اساسی حقوقی" را در رسیدگی به اختلافات رعایت می کنند، تصمیمات این دادگاه ها به طور منظم و به راحتی در سایر نهادهای رسیدگی به اختلافات قابل اعتراض خواهد بود. (البته باید باشد در حالی که ممکن است چنین روندی هنوز جا نیفتاده باشد). (FRANK A. V. FALZON, 2011, p 47)

بنابراین، تصمیم گیری در مورد استناد دارد های بررسی اختلافات، قانونگذاران را وادار به اصلاحات در زمینه های صلاحیت قضایی، رویه ها، تخصص ها، آیین دادرسی، شهود و

انتصابات لازم و نحوه کارکرد آن نهادها، می‌کند. این مسئله مبین این موضوع می‌باشد که قوانین داوری خاص بر سیاست‌گذاری ورزشی تأثیر اصلی و انکارناپذیر دارد. ( FRANK A. V. FALZON, 2011, p 47) در این زمینه باید اختیارات قضات دادگاه‌ها به خصوص در کشورهای کامن‌لا محدود گردد تا در سیاست‌های وضعی ورزشی تغییری ایجاد نشود. دلیل محدود کردن دامنه اختیار تصمیم‌گیری قضایی این است که هیئت‌های تجدیدنظر نباید اختیاری بیش از تصمیم‌گیرنده اصلی داشته باشند و به همین ترتیب، نباید و نمی‌توانند یک سیاست را تغییر داده یا بازنویسی کنند. همچنین جایگزینی در تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد رویه و سیاست ورزشی‌ها به صورت مداوم و متغیر می‌تواند برای یک سازمان مخرب باشد و کارکرد آن را مختل و عملکرد آن را تضعیف نماید.

### نتیجه‌گیری

پیش‌فرض اساسی مقاله حاضر این است که طراحی یک مکانیزم داوری خاص ورزش باید با سیاست‌گذاری‌های ورزشی مرتبط و متأثر باشد تا موفقیتی در زمینه رسیدگی به اختلافات و سایر موارد به وجود آید. در واقع، دو قاعده داوری ورزشی را می‌توان مهم قلمداد کرد که در سیستم‌های ورزشی دنیا در سطح کشورها به نحوی می‌توان مشابه آنها را یافت که ناشی از سیاست‌گذاری‌های ورزشی بوده و با گذشت زمان تکمیل و یا اصلاح شده‌اند:

- دامنه و میزان اختیارات دادرسی یا داور،
- نحوه بررسی پرونده‌های دادگاه‌ها، به منظور تعیین اشتباهات رسیدگی قبلی در سازمان‌های ورزشی و ارائه راهکار برای تجدیدنظر در داوری‌های مستقل ورزشی خاص که در اصلاح یا رد رسیدگی پرونده قبلی مستقل می‌باشند.

قوانین داوری در سیستم‌های حل اختلاف ملی به نوعی بازتاب‌دهنده قوانین دادگاه حکمیت ورزشی می‌باشند. در واقع، سیستم جهانی و هماهنگ برای حل اختلاف (برای مثال در موضوع دوپینگ)، می‌تواند نتیجه‌ای مناسب و مطلوب برای ورزش همگانی جهانی داشته باشد. برخی سیستم‌های ملی بر اساس نیازها و شرایط داخلی بنا شده‌اند که اندکی با سیستم بین‌المللی از جمله با دادگاه حکمیت ورزشی متفاوت هستند. چراکه سیستم‌های بین‌المللی حل اختلاف (به عنوان مثال CAS) بر اساس نیازها و اهداف مختلف جهانی و با توجه به تعدد کشورها و ملیت‌های مختلف به وجود آمده‌اند. به عنوان پیشنهاد، عملکرد دادگاه حکمیت ورزشی در جامعه بین‌المللی ورزشی نباید متفاوت از عملکرد داخلی باشد و می‌بایست به صورت هماهنگ و در پرتو هم و با توجه به اصل همکاری متقابل به فعالیت ادامه دهند تا در زمینه رسیدگی‌های ورزشی -

حقوقی مانعی ایجاد نشود. برخی همپوشانی ها در این راستا اجتناب ناپذیر است، ولی نباید غافل شد که این موضوع نیازمند دقت در تجزیه و تحلیل صاحب نظران حقوقی - ورزشی با همکاری کادرهای فنی و فدراسیون ها می باشد. بدین ترتیب، قوانین و آیین نامه ها باید با لحاظ تمام جوانب و ملاحظات و با دقت تدوین شوند تا مشابهت سیستم های مختلف حقوقی دنیا را منعکس کرده و تفاوت ها را هر چه بیشتر به سمت هماهنگی و سازش ببرد. اما باید در نظر داشت که به طور خاص، نتایج این قاعده سازی ها نباید با سیاست گذاری های ورزشی ملی مخالف باشند و هر چه باشد باید نتایج این مسائل در سطح داخلی کشورها بیشتر احساس شود. به طور خاص، مشکلات موجود در سیاست ها و رویه های سازمانی و عدم بهره وری از اصول عدالت طبیعی نتایج خود را در داوری های مختلف نشان داده است. در مورد قوانین داوری ورزشی و عملکرد آن، مطالب اندکی نگاشته شده است. این قوانین اعمال وسیع اقتدار داور (همانند دادگاه ها) را بیش از آنچه سازمان ورزشی مربوطه در سیاست های تجدید نظر خود تعیین کرده است، مجاز می دانند. با این حال، مجموعه ای از تصمیمات سازمان ها همراه با این سیاست ها، باید مجموعه ای متشکل از قوانین حقوقی چندگانه و قوانین فنی ورزشی باشد تا محدودیت های یک داور مستقل را به گونه ای محدودتر تعریف نماید. به نظر می رسد که نقش تصمیم گیری سازمان ورزشی هم باید مهم باشد اما نیاز به چنین تصمیماتی باید به درستی و منصفانه انجام پذیرد. در ایران هم باید توجه داشت که برای توسعه حقوق ورزشی و در نتیجه داوری و حل اختلافات ورزشی، نیاز است موارد ذیل مورد توجه باشد تا در بین دادگاه های ملی به عنوان شاخص و سرآمد در تعیین اختلافات ورزشی مطرح گردد:

- ۱- راهکار ساختاری و مدیریتی؛ که باید در دست متخصصان ورزشی آگاه به مسائل حقوقی باشد و برای اجتناب از مدیریت چندگانه، انتصاب معاونینی با تخصص حقوقی مورد نیاز می باشد.
- ۲- راهکار مسائل مربوط به نیروی انسانی؛ که باید در بین حقوقدانان جوان همواره وجود داشته و اداره امور و سیاست گذاری های ورزشی در امر داوری های مستقل را بر عهده بگیرند.
- ۳- راهکار علمی- آموزشی؛ که باید حقوق ورزشی در ایران رشد کرده و در دانشگاه ها این رشته توسعه پیدا کند.
- ۴- راهکار قانونی و حقوقی؛ که باید مجلس شورای اسلامی در تعامل با دولت (وزارت ورزش و جوانان) به وضع قوانین مشخص و تخصصی در زمینه اختلافات ورزشی و داوری بپردازد.



- ۱- ساعد وکیل، امیر و اسکندری، امیرارسلان (۱۳۹۵)، تشکیل نهاد داوری ملی ورزش در پرتو جایگاه داوری در حل و فصل اختلافات ورزشی، نشریه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۵، شماره ۳۱، بهار، صص ۱ تا ۱۹
- ۲- شعبانی مقدم، کیوان (۱۳۹۳)، دیوان بین المللی حکمیت در ورزش، چاپ اول، تهران: انتشارات شهردانش
- ۳- فراهانی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، بررسی میانجی گری بعنوان شیوهای برای حل و فصل اختلافات در دیوان بین المللی حکمیت در ورزش، پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی، سال چهارم، شماره ۳، زمستان
- ۴- کیا، فرخ، نوربخش، مهوش، فراهانی، ابوالفضل، قاسمی، حمید، شجاع، رضا (۱۳۹۹)، شناسایی عوامل موثر بر سیاستگذاری باز ورزش همگانی ایران با استفاده از AHP، فصلنامه علوم ورزش، سال دوازدهم، شماره سی و نهم، زمستان
- ۵- گیاه شناس بن بازاری، جواد، ساعی، احمد، زیباکلام، صادق، ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۸)، سیاستگذاری ورزشی در ایران با تأکید بر مرجعیت های چندگانه تصمیم گیری، پژوهشهای معاصر در مدیریت ورزشی، سال نهم، شماره ۱۸، پاییز و زمستان
- ۶- مافی، همایون، شهلایی، فراز (۱۳۹۶)، چالش های تأسیس دیوان ملی داوری ورزش: بررسی تطبیقی با دیوان داوری ورزش، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۴۵، بهار

- 7- DAVID P. JONES & ANNE DE VILLARS (2016), PRINCIPLES OF ADMINISTRATIVE LAW 6, 3d ed .
- 8- Findlay, Hilary A (2005), Rules of a Sport- Specific Arbitration Process as an Instrument of Policy Making, Marquette Sports Law Review, Volume 16, Issue 1 Fall
- 9- FRANK A. V. FALZON, STANDARD OF REVIEW ON JUDICIAL REVIEW OR APPEAL 6-7 (2011), available at: [www.gov.bc.ca/ajo/down/standard\\_of\\_review.pdf](http://www.gov.bc.ca/ajo/down/standard_of_review.pdf)
- 10- Gordon v. Canadian Amateur Boxing Ass'n (SDRCC, July 16, 2003), available at: [www.adrsportred.ca/resource\\_centre/pdf/english/S-903586.pdf](http://www.adrsportred.ca/resource_centre/pdf/english/S-903586.pdf).
- 11- Haslip, Susan (2001), A Consideration of the Need for a National Dispute Resolution System for National Sport Organizations in Canada, scholarship law marquette, 11 Marq. Sports L. Rev. 245
- 12- Hilary A. Findlay & Rachel Corbett (2012) Principles Underlying the Adjudication Disputes Preceding the Salt Lake City Winter Olympic Games: Notes for Adjudicators, 1 ENT. L. 109.

- 13- James A.R. Nafziger (2011), Arbitration of Rights and Obligations in the International Sports Arena, 35 VAL. U. L. REV.357.
- 14- Matthieu Reeb (2005), The Court of Arbitration for Sport, available at:  
[www.tas-cas.org/en/histoire/frmhist.htm](http://www.tas-cas.org/en/histoire/frmhist.htm)
- 15- Matt Lindland Case
- 16- Paul Hayes (2004), Current Problems in the Resolution of Sporting Disputes in Australia, 2 INT'L SPORTS L. REV. 22
- 17- Physical Activity and Sport Act, 2003 S.C., ch. 2 (Can.), available at  
[www.laws.justice.gc.ca](http://www.laws.justice.gc.ca)
- 18- Richard McLaren (2001), A New Order: Athletes' Rights and the Court of Arbitration at the Olympic Games, 7 OLYMPIKA 1, 2.
- 19- Russell v. Canadian Centre for Ethics in Sport, Arbitration award pursuant to Section 10 of the Doping Control Standard Operating Procedures of the Canadian Centre for Ethics in Sport (Aug. 19, 1998)
- 20- SARA BLAKE(2011), ADMINISTRATIVE LAW IN CANADA, 3d ed.
- 21- SDRCC, APPEAL POLICY PACKAGE 13-36 (2004), available at  
[www.adrsportred.ca/resource\\_centre/SDRCCAppealPackage\\_e.doc](http://www.adrsportred.ca/resource_centre/SDRCCAppealPackage_e.doc) .
- 22- The Sport Dispute Resolution Centre of Canada's (SDRCC) website is found at:  
[www.adrsportred.ca](http://www.adrsportred.ca).
- 23- The U.S. Amateur Sports Act
- 24- Thompson, Steven J. (2001), Olympic Team Arbitrations: The Case of Olympic Wrestler Man Lindland, 35 VAL, U. L. REV. 407 .
- 25- Wilton v. Softball Can(2004), SDRCC,16 July, Available at:  
[www.adrsportred.ca/resource\\_centre/pdf/english/S-947124.pdf](http://www.adrsportred.ca/resource_centre/pdf/english/S-947124.pdf)
- 26- WORK GROUP TO THE SEC'Y OF STATE (AMATEUR SPORT), A WIN-WIN SOLUTION: CREATING A NATIONAL ALTERNATIVE DISPUTE RESOLUTION SYSTEM FOR AMATEUR SPORT IN CANADA 6 (2000), available at :  
[www.pch.gc.ca/progs/sc/pubs/win-e.pdf](http://www.pch.gc.ca/progs/sc/pubs/win-e.pdf).